



## تکیه دولت و مراسم مذهبی آن

پدیدآورده (ها) : گلجان، مهدی؛ افشاررضائی، سپیده  
تاریخ :: پژوهشهای علوم تاریخی :: بهار و تابستان 1393 - شماره 9 (علمی-  
پژوهشی/ISC)  
از 105 تا 122  
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1092519>

دانلود شده توسط : محمد اختری  
تاریخ دانلود : 02/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنا بر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

# تکیه دولت و مراسم مذهبی آن

مهدی گلجان\*

استادیار گروه تاریخ، دانشگاه تربیت مدرس

سپیده افشاررضائی

دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه پیام نور تهران

(از ص ۱۰۵ تا ۱۲۱)

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۱۰، تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۳۰

## چکیده

با روی کار آمدن دولت صفویه، رسمی شدن مذهب شیعه در ایران، سبک تازه‌ای از عزاداری به نام روضه خوانی و نوعی نمایش مذهبی همراه با اشعار و متون مرتبط با واقعه کربلا با ایجاد تکیه‌ها، حسینیه‌ها و موقوفات به وجود آمد. این مراسم و آیین‌ها در دوران قاجار برای کسب مشروعیت مردمی، با شدت و گسترش بیشتری دنبال می‌شد، در این زمان هر طبقه و صنف برای برگزاری عزاداری سعی می‌کردند تا از طریق ساختن تکیه و وقف آن، اجر دنیوی و اخروی کسب کنند و نامی نیکو برای خود باقی بگذارند. تا این که ناصرالدین شاه دستور ساخت تکیه دولت را داد. پس از مرگ وی، جانشینانش به دلیل شرایط جامعه و حوادث مشروطه، نفوذ تئاترهای اروپایی و مخالفت بعضی از علما، نتوانستند به خوبی ناصرالدین شاه در تکیه دولت مراسم تعزیه را برپا کنند و تعزیه از این زمان رو به افول نهاد، تا این که سرانجام دستور تخریب آن در سال ۱۳۲۵ هـ.ش، به منظور ساخت شعبه بانک ملی در بازار، صادر شد. ما در این مقاله برآنیم تا به انگیزه ساخت، معماری، نحوه برگزاری مراسم تعزیه در تکیه دولت و علل افول آن بپردازیم.

واژه‌های کلیدی: تکیه دولت، تعزیه، ناصرالدین شاه قاجار

---

\* نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول مقاله: [goljanmahdi@yahoo.com](mailto:goljanmahdi@yahoo.com)

## مقدمه

در لغت‌نامه‌ها برای تکیه به جز معنای لغوی آن (پشت‌دادن و تکیه‌کردن به چیزی یا قرارگرفتن بر آن) سه معنای دیگر ذکر شده است: ۱. گورستان و بقاع مشایخ صوفیان، عارفان و قدیسان ۲. محل نگهداری فقیران و تهیدستان (کاروانسرا و منزلگاه فقیران صوفیه) ۳. جایی وسیع که در آن مراسم عزاداری و شبیه‌خوانی برپا می‌شود. تکیه در نزد درویشان به معنای جایگاه درویشان است که خانقاه تعبیر دیگر آن است.

به مرور با رواج تشیع در ایران، تکیه در نزد مردم به حسینیه و محلی اطلاق می‌شود که در آن شرح مصائب امام حسین<sup>(ع)</sup> به صورت تعزیه یا روضه بیان می‌شود و عبارت است از فضای محصور که در وسط آن سکویی گرد یا چهارگوش ساخته شده است و در اطرافش غرفه‌ها و طاق‌نماهایی وجود دارد که یا به آن آذین می‌بندد و یا رجال کشور برای تماشای تعزیه از آنها استفاده می‌کنند (مصاحب، ج ۱، ص ۶۶۱).

از آنجا که مردم، اجرای مراسم محرم را نوعی تقرب به خدا و ثواب می‌دانستند، به خصوص در دوره قاجار، تعزیه به صورت یک نمایش آیینی - مذهبی درآمد که مردم و بنیان این عزاداری‌ها سعی می‌کردند با ساختن تکیه و وقف آن، اجر دنیوی و اخروی برای خود، به دست آورند.

در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه، تعداد تکایای تهران در حدود ۵۴ باب بود که در اواخر سلطنت وی به ۷۵ باب افزایش یافت. مهم‌ترین تکیه‌ها بعد از تکیه حاج میرزا آقاسی (عباس‌آباد) و تکیه دولت قدیم عبارت بودند از: تکیه سپهسالار، تکیه ولی‌خان، تکیه نوروزخان، تکیه اسماعیل بزاز، تکیه قورخانه، تکیه دباغ‌خانه، تکیه حیات‌شاهی، تکیه عودلاجان، تکیه زنبورک‌خانه، تکیه رضاقلی‌خان، تکیه پهلوان، تکیه سرپولک.

(حسینی بلاغی، ص ۸۳؛ دوگوبینو (Gobineau de)، صص ۱۲ و ۱۱)

عواملی مانند علاقه و استقبال شدید مردم به عزاداری و نمایش‌های مذهبی، کوچکی فضای تکیه‌ها و همچنین سرمای هوا (در صورت برگزاری مراسم در زمستان) و...، اجرای مراسم شبیه‌گردانی را مختل می‌کرد، بنابراین نیاز به ساخت تکیه‌ای وسیع و مجهز احساس می‌شد، از این‌رو، ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۴ هـ ق فرمانی مبنی بر ایجاد تکیه بزرگی به نام تکیه دولت (که به نام‌های دیگری مانند تکیه همایونی دولتی، تکیه قصر و تکیه بزرگ شاهی معروف بود) در داخل ارگ سلطنتی را به دوستعلی خان معیرالممالک صادر کرد. معیرالممالک، مهندسان و معماران مشهور تهران را برای این

کار گردآورد (حسینعلی مهین معمار و سازنده بنای تکیه دولت بود). بدین ترتیب کار ساخت تکیه دولت آغاز شد و در سال ۱۲۹۰ هـ ق نیز ساخت آن با صرف سرمایه‌ای بالغ بر ۱۵۰ هزار تومان پایان یافت (ذکاء، صص ۲۸۷-۲۹۳؛ معیرالممالک، وقایع‌الزمان، صص ۱۳-۱۵؛ اعتمادالسلطنه، المآثر والاثار، ج ۱، ص ۸۸).

با ساخته شدن تکیه دولت، تکایای دیگر از جمله تکیه قدیمی دولت (تکیه حاج میرزا آقاسی) از رونق افتاد و تبدیل به مخزن تدارکات قشون شد (روزنامه ایران، ۱۲۹۰، ص ۲۰۸). نقل قول‌های متفاوتی درباره انگیزه و زمان ساخت تکیه دولت وجود دارد: گروهی از محققان چون مادام کارلا سرنا (Carla Serena)، کرزن (Curzon)، جعفر شهری‌باف و ژان کالمار (Jean Calmard) معتقدند که ناصرالدین شاه پس از اولین سفر به فرنگ در سال ۱۲۹۰ هـ ق و دیدن تئاترهای نمایشی مانند تماشاخانه ورون (Verona) در ایتالیا و ساختمان کنسرت رویال آلبرت هال لندن (Albert Hall, London Royal) بر آن شد که به معیرالممالک دستور دهد که تکیه دولت را با اقتباس از سبک معماری اروپایی بسازند. (سرنا، آدم‌ها و آئین‌ها، صص ۱۶۱-۱۷۹؛ شهری‌باف، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، ج ۵، ص ۵۴۱؛ کالمار، ص ۱۰۳؛ کرزن، ج ۱، ص ۴۳۴؛ اورسول، ص ۱۶۰ برای اطلاعات بیشتر ر.ک: بنجامین، ص ۲۵)

اما گروهی دیگر از محققان چون بهرام بیضایی، جمشید ملک‌پور و عنایت‌الله شهیدی معتقدند که ساختمان تکیه دولت بر اساس طرح میادین و برخی کاروانسراها و تکایا، طراحی و ساخته شده بود. آنها با ارائه اسناد و مدارک معتقدند که معماری تکیه دولت پس از اتمام ساختمان کاخ شمس‌العماره، در سال ۱۲۸۴ هـ ق آغاز شد و در سال ۱۲۹۰ هـ ق به اتمام رسید. در واقع، این امر قبل از سال ۱۲۹۰ هـ ق یعنی اولین سفر ناصرالدین شاه به فرنگ بوده است. (بیضایی، ص ۱۲۹؛ ملک‌پور، همانجا؛ شهیدی، ص ۱۸۳)

در نهایت، تکیه دولت با بنایی با شکوه برای اجرای تعزیه، برگزاری مراسم سوگواری و روضه‌خوانی ایام عاشورا در تهران برپا شد که گنجایش آن حدود بیست هزار تن بود (راوندی، ج ۴، ص ۶۱۲).

این بنا در ضلع جنوب شرقی باغ گلستان و در جنوب غربی شمس‌العماره، در شمال سبزه‌میدان، حدفاصل کاخ ابیض و عمارت الماس بر اساس نقشه عبدالغفار نجم‌الملک، بنا نهاده شد که قبلا در محل آن، انبار دولتی ارگ شهر مستقر بود (منصوری‌فرد، صص ۵۷۰، ۵۷۷، نقشه ش ۲ و ۱؛ ذکاء، ص ۲۸۷).

در واقع، ناصرالدین شاه پس از قتل امیرکبیر و تصرف اموال وی، در قسمتی از عمارت مسکونی میرزا تقی‌خان که در سمت جنوبی کاخ گلستان قرار داشت و در جوار آن نیز گرمابه‌ای بود که گاهی به عنوان مجلس از آن استفاده می‌شد، تکیه دولت را بنا نمود.

### مختصری از معماری ساختمان تکیه دولت

با توجه به این که بنای تکیه دولت، در گسترش و شکوفایی تعزیه سهم ارزنده‌ای داشته است، بررسی معماری آن، گذشته از ارزش‌های ساختمانی، در تصویرگری و روشن ساختن بسیاری از ارزش‌های اجرایی شبیه‌خوانی نیز حائز اهمیت بسیار است. ساختمان تکیه دولت مدور و آجری به ارتفاع ۲۴ متر و عرض حدوداً ۳۴ متر بود (فروغ، ص ۷؛ سلطانزاده، ص ۱۸۳). این ساختمان، سه طبقه و با سردابه چهار طبقه داشت (اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ج ۱، ص ۸۷). مساحت آن حدود ۲۸۲۴ مترمربع بود (همان؛ فروغ، همانجا؛ ریاحی، ص ۱۷). ساختمان از خارج به صورت منشوری هشت‌ضلعی و از داخل به شکل استوانه‌ای کامل طراحی شده بود. پی بنا سست بود و بر روی خاک دستی قرار گرفته بود و همین امر از ابتدا مشکلاتی برای مقاومت و ایستایی آن پدید آورد (منصوری‌فرد، ص ۵۷۰؛ سرنا، سفرنامه، ص ۱۶۳؛ فروغ، ص ۲۶). همین امر موجب شد که در زمان مظفرالدین شاه یک طبقه ساختمان بر اثر سنگینی گنبد هلالی‌شکل آن تخریب شود؛ «زاین‌رو سقف را تعویض و طبقه سوم را هم تخریب کردند و بدین ترتیب تکیه دولت در زمان مظفرالدین شاه صاحب دو ردیف طاق نما شد.» (شهری‌باف، طهران قدیم، ص ۱۳). تکیه دولت سه ورودی داشت: ورودی اصلی و بزرگ در ضلع شرقی تکیه برای مردان، با دری دو لنگه و سردری جناغی؛ ورودی ضلع غربی برای زنان، از سمت میدان ارگ با سردر جناغی و شش مناره کوچک در دو طرف با کاشی معقل که از تلفیق اشکال هندسی پوشیده شده بود (منصوری‌فرد، صص ۵۷۱-۵۷۲؛ اعتمادالسلطنه، ص ۸۷؛ ذاکرزاده، ص ۱۲۹)؛ ورودی سوم، راهرو پر پیچ‌وخم و تاریکی بود که قسمت شاه‌نشین تکیه را به ضلع جنوبی کاخ گلستان وصل می‌کرد و شاه برای ورود به تکیه از آن می‌گذشت (سرنا، سفرنامه، ص ۱۶۲؛ منصوری‌فرد، ص ۵۷۴). ساموئل بنجامین و لرد کرزن نیز که در آن زمان در ایران ساکن بودند در آثار خود شرحی از نما و معماری تکیه دولت را آورده‌اند (برای اطلاعات بیشتر ر.ک به: بنجامین، صص ۲۵-۲۱؛ کرزن، ص ۴۳۳).

همان‌طور که گفتیم بنای تکیه دولت به صورت مدور ساخته شده بود، که این بر خلاف شکل ساخت تکایای دیگر بود که متأثر از معماری خانه‌های بزرگان، کاروانسراها و میادینی که معمولا تکیه‌ها را در آنجا برپا می‌کردند، به شکل چهارگوش ساخته می‌شد. سقف مدور آن هشت هلال داشت که از جنس چوب بوده و با اتصالات آهنی به هم وصل شده بود. نمای داخلی آن تماما از آجر بود که با کاشی‌های معرق و غیرمعرق تزئین شده بود.

قسمت‌های درونی تکیه با کاشی‌های لعاب‌دار آبی‌رنگ پوشانیده شد. کاشی‌کاری‌های رنگارنگ همراه با تزیینات حدود شصت غرفه که در سه ردیف روی هم ساخته شده بودند، به فضای درونی تکیه چهره زیبایی بخشیده بود (پیترسون، ص ۶۰۴).

در اطراف صحن، بیست طاق (هریک به عرض هفت‌ونیم متر) با دیوارها و ستون‌های کاشی‌کاری قرار داشت و روی طاق‌ها اتاق‌هایی در دو طبقه ساخته شده بود. اتاق‌های طبقه اول ویژه وزرا و حکام ولایات بود که با نظارت ناظر (کارپرداز کاخ، فراشباهی) میان ایشان تقسیم می‌شد (اوبن، ص ۱۹۰؛ مستوفی، ج ۱، ص ۲۹۳؛ هدایت، ص ۸۷). اتاق‌های طبقه دوم ارسی داشت و مخصوص بانوان حرم بود (اورسل (Orsel)، ص ۱۶۰). طبقه سوم، جایگاه نقاره‌چی‌ها بود که با نرده‌ای حفاظت می‌شد (اوبن، ص ۱۹۳؛ منصوری‌فرد، همانجا). جایگاه مخصوص شاه در طبقه دوم، با ارتفاع بیشتر، سردر و سقف بلندتری (بنجامین، ص ۲۸۹) روبه‌روی صحنه قرار داشت و در سمت راست آن، ابتدا جایگاه عموهای شاه و صدراعظم و پس از آن به ترتیب محل نشستن وزیرمختار انگلیس و وزیرمختار روسیه و دیگران قرار داشت. در سمت چپ جایگاه مادر شاه، زن‌های شاه، همسر صدراعظم و همسر وزیرمختار روسیه قرار داشت.

در اثنای نمایش، با پذیرایی مستمر با چای، قهوه و قلیان، خستگی تماشاگران رفع می‌شد... هنگام اجرای تعزیه پرده توری سیاهی در برابر غرفه شاه می‌کشیدند (مستوفی، همانجا). ورود به اتاقها و خروج از آنها از طریق راهروهای پشت آنها صورت می‌گرفت (ذکاء، ص ۲۹۷). تماشاگران عادی در چندین ردیف دایره‌وار دور صحنه مینشستند و عده کمی پشت زن‌ها می‌ایستادند.

در صدر تکیه، منبر بزرگ بیست پله‌ای و یک پارچه از سنگ مرمر نصب کرده بودند که پیش از شروع مراسم تعزیه، روضه‌خوان‌ها بر بالای منبر می‌رفتند و به شرح مصیبت می‌پرداختند. در گرداگرد تخت نمایش، راهی نیز برای حرکت دسته‌ها، سوارها و فیل‌ها،

شترها و درشکه‌ها و اسب‌ها، و ورود و گردش صفوف دیگر ساخته بودند. در وسط تکیه سکویی از سنگ به بلندی یک متر ساخته بودند که به آن «تخت» می‌گفتند و بازیگران و شبیه‌خوان‌ها از پله‌هایی که در چهار طرف آن بود، بر بالای سکو رفته، نقش خود را اجرا می‌کردند. صحن مرکزی را داربستی از الوار و تیرهای چوبی می‌پوشاند که با بست‌ها و تسمه‌های آهنی درهم چفت شده و بر روی دیوارهای بنا تعبیه شده بود و سقفی گنبدی را بر روی صحن تشکیل می‌داد که در مواقع ضروری چادر کرباسی ضخیمی بر روی آن می‌کشیدند (منصوری‌فرد، ص ۵۷۲؛ اعتمادالسلطنه و فروغ، همانجا).

پس از آن که چوب‌بست‌ها از چند جا شکست، مهندسی فرانسوی به فرمان مظفرالدین شاه نیم‌قوس‌هایی آهنی به جای قوس‌های چوبی کار گذاشت. نیم‌قوس‌های آهنی دوازده عدد بود که هریک از پنج تکه مجزا تشکیل و با پیچ و مهره به هم وصل می‌شد و دیگر به پشت‌بندهای آجری در سقف اتاق‌های تکیه احتیاجی نبود (ذکاء، ص ۲۹۳-۲۹۴؛ منصوری‌فرد، ص ۵۷۶).

در زمان سلطنت مظفرالدین شاه، چون بیم آن می‌رفت که فشار پوشش باعث خرابی بنا شود، برای کاهش فشار، طبقه آخر را خراب کردند (مستوفی، همانجا؛ ذکاء و سمسار، ج ۲). در وسط صحن تکیه، سکوی گردی به شعاع تقریبی نه‌ونیم متر و ارتفاع تقریبی یک‌متر با ازاره سنگی منقوش با قاب و شمسه قرار داشت که سطح آن آجر فرش بود. در این ازاره دریچه‌هایی تعبیه شده بود که به احتمال قوی به زیرزمین گشوده می‌شد (ذکاء، همان، ص ۲۹۴؛ منصوری‌فرد، همان، صص ۵۷۴ - ۵۷۵). در دو طرف سکو دو پلکان سه‌پله‌ای قرار داشت (منصوری‌فرد، همان، ص ۵۷۵؛ ذکاء و سمسار، ج ۲، تصویر ۳-۶). دور سکو، محوطه‌ای به عرض تقریبی شش متر برای عبور اسب‌ها و دسته‌های موسیقی منظور شده بود. پلکانی در شش ردیف با یک پیش‌آمدگی دورتادور صحن و متصل به ساختمان مدور تکیه قرار داشت که مشرف بر صحن مرکزی و سکوی آن بود. این بخش، مخصوص زنان بود (فروغ، همانجا؛ اورسول، ص ۳۰۰؛ هدایت، ص ۸۸).

در تکیه، منبری بیست‌پله‌ای و یا به عقیده برخی چهارده پله (فروغ، همانجا) قرار داشت که دو دیواره جانبی آن از مرمر یکپارچه بود. بلندی آن حدود یک طبقه تکیه بود و به سفارش معیرالممالک در یزد ساخته شده بود (ذکاء، ص ۲۹۷؛ منصوری‌فرد، ص ۵۷۴). این منبر را در زمان انقلاب مشروطه از تکیه خارج کرده و در میدان توپخانه گذاشته بودند و شیخ فضل‌الله نوری بر آن سخنرانی می‌کرد (هدایت، ص ۱۶۱). در چهار طرف تکیه،

حوض‌های پر آبی قرار داشت و نوجوانانی با لباس عربی، غالباً بر اساس نذر والدینشان، سقایی حاضران در تکیه را برعهده داشتند (اوبن، ص ۱۹۱). در زمستان برای تأمین گرما در چندجا منقل گذاشته می‌شد (سرنا، همان، ص ۱۶۵)

بر اساس وصف‌هایی که از فضای داخلی تکیه دولت برجای مانده، می‌توان گفت که تزئین درون آن بیش از معماری کلی و نمای بیرونی اهمیت داشته است و ...

چلچراغی در وسط سقف قرار داشت که چندی با نیروی برق روشن می‌شد (بنجامین، ص ۲۹۸؛ کرزن، ج ۱، ص ۴۳۴؛ فروغ، همانجا). بخشی از نور تکیه، به ویژه سکوی وسط، از چراغ‌های لاله فنی با کاسه بلور که فراش‌ها حمل می‌کردند، تأمین می‌شد (مستوفی، ج ۱، ص ۲۹۶؛ برای اطلاعات بیشتر ر.ک: پیترسون، ص ۶۰۴). تعداد شمع‌هایی که در تکیه افروخته می‌شد، به حدی بود که با مقاطعه جمع‌آوری پیه و گچ شمع‌های سوخته و نیمه‌سوخته، بخشی از مخارج روضه‌خوانی تأمین می‌گردید (همان، ص ۳۰۳).

گذشته از منابع نور، داخل تکیه را با تاج‌های گل، آئینه، پارچه و قالی‌های گرانبها می‌آراستند (سرنا، آدم‌ها و آئین‌ها، ص ۱۶۳؛ اورسل، ص ۲۹۹). تزئین هر یک از طاق‌ها برعهده یکی از رجال بود و رقابت میان آنان به شکوه بیشتر آرایه‌ها منجر می‌شد. بخش‌هایی نیز به درویشان اختصاص داشت که با تخت پوست، کشکول، بوق و تسبیح تزئین می‌شد (مستوفی، ص ۳۰۱) و شاه نیز اثاث خاص تکیه دولت را تدارک دیده بود (هدایت، ص ۱۴۰).

### نحوه آماده‌کردن و انجام مراسم عزاداری در تکیه دولت

تکیه دولت را در اواخر ذی‌الحجه، چندروز مانده به اول محرم، برای تعزیه‌خوانی آماده می‌کردند. نایب‌النظاره دربار (سرپرست و مدیر امور تشریفاتی)، با همکاری ناظم‌البکا و کارکنان و فراشان، تکیه را آماده می‌کردند. نخست، چادر تکیه را روی سقف هلالی شکل می‌کشیدند، تکیه را تمیز می‌کردند و سپس پارچه‌های سیاه، بر دیوارها و جرزهای طاق نماهای آن می‌کشیدند و جایگاه مخصوص شاه را با قالی، قالیچه، پارچه‌های رنگارنگ و چلچراغ می‌آراستند. آرایش و بستن طاق‌نماهای دیگر بر عهده کسانی بود که طاق‌نماها را در اختیار آنان گذاشته بودند (افراد نظیر حکام ولایات یا یکی از وزارتخانه‌ها).

مراسم روضه‌خوانی از اول ماه محرم یا یک روز مانده به آن شروع و تا روز تاسوعا، در تکیه دولت برگزار می‌شد و گاه تا دهم و دوازدهم یا چهاردهم نیز ادامه داشت و نیز مراسم تعزیه‌خوانی معمولاً در دو نوبت شب و روز برگزار می‌شد که تا آخر محرم و گاهی تا



آخر صفر نیز ادامه داشت و برخی اوقات نیز در ماه‌هایی غیر از محرم و صفر، تعزیه‌خوانی برقرار می‌شد. نمایش تعزیه در دو نوبت شبانه‌روز، یکی عصر از سه تا نیم‌ساعت قبل از غروب و دیگری از دو تا پنج و شش ساعت از شب گذشته، برگزار می‌شد. معین‌البکا، در انتخاب نهایی نوع تعزیه‌هایی که در تکیه دولت باید به اجرا درمی‌آمد، بدون چون و چرا تابع نظر شاه بود. تعزیه‌خوانان در حقیقت، تعزیه‌خوان دولتی بودند، زیرا نظر «معین‌البکا»ی دربار، در برابر شاه و درباریان، تعزیه می‌خواندند. لباس تعزیه‌خوانان تکیه دولت در دربار تهیه می‌شد؛ برای جنگجویان، سپرها و شمشیرهای مرصع و کلاه‌خودهای جواهرنشان و برای بازیگران نقش یزید و ابن‌سعد، عمامه و قبا‌هایی با ترمه‌های عالی زردوزی شده تهیه می‌کردند. در این تکیه، هر ساله در دهه اول محرم پس از ساعت‌ها گرداندن دسته‌های بزرگ و پر ابهت که غلبه جنبه تماشایی و رقصی دفیله‌شان خاطرۀ عزاداری را از بین می‌برد، بزرگ‌ترین و مجلل‌ترین نمایش‌های تعزیه‌ای روی صحنه می‌آمد (بیضایی، ص ۶۲). روزها از دو ساعت بعد از ظهر تا نزدیک غروب و شب‌ها از دو تا پنج - شش ساعت از شب گذشته، تعزیه اجرا می‌شد و در شب چندین هزار چراغ و شمع افروخته می‌شد که به مراتب بر جلال و شکوه مجلس می‌افزود (معیرالممالک، یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه، ص ۴۵). تکیه دولت به عنوان محل خاص انجام تعزیه‌ها، زیر نظر ارگ سلطنتی بود و تعزیه‌های اجرا شده در آن به شبیه‌نامه‌های معین‌البکایی معروف بودند. ناصرالدین شاه معمولاً از روز دوم یا سوم محرم به تکیه می‌آمد و در جایگاه مخصوص خود که پرده زنبوری آبی یا مشکی در جلوی او یخته بود، می‌نشست. درباره علت نشستن ناصرالدین شاه در پشت پرده زنبوری آبی یا مشکی، گروهی معتقدند که این کار برای آن بوده که حاضران مجلس او را در حال گریستن و تغییر حال نبینند تا هیبت و شکوهش همچنان در دل‌های مردم باقی بماند (مستوفی، ج ۱، ص ۲۹۳) و گروهی از مخالفان تعزیه چون حاج سیاح معتقدند که شاه با این کار می‌خواسته خانم‌ها را تماشا کند. (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: حاج سیاح، ص ۹۳)

در تکیه دولت، عزاداری‌ها و تعزیه‌های بسیار با شکوه و مجللی برگزار می‌شد که مردم از آن استقبال زیادی می‌کردند. البته علاوه بر اسم و رسم تکیه دولت، تزئینات و چادر بزرگ تکیه دولت، باعث جذب تماشاگران فراوان می‌شد. چادر بزرگ تکیه دولت که نقش شیرهای ایستاده شمشیر به دست و شیرهای خفته خورشید به پشت که نور خورشید از ستیغ هلال آنها نقت می‌کشید و نقش طاووس‌ها و گل‌ها و برگ‌ها... را

داشت، هرساله مشتاقان بسیاری را به تماشای خود می‌کشید (اسکویی، ص ۸۲). در این میان، مردم از تعزیه‌ها و عزاداری‌های تکیه دولت به خوبی استقبال می‌کردند و چون فراهم کردن جای نشستن در تکیه به سختی امکان داشت، زن‌ها از صبح زود، بلکه قبل از آفتاب به آنجا می‌آمدند و به دلیل کثرت جمعیت چون درها بسته می‌شد، ورود و خروج برایشان امکان نداشت، زن‌ها تقریباً به طور عموم نهار و دهان‌گیره خودشان را همراه می‌آوردند و چه بسا که وسیله قضا حاجت خویش را چیزهایی مانند مشربه یا قلقلک یا کوزه قلیان دنبال می‌بردند (شهری‌باف، ص ۱۱۶).

بدیهی است که گاهگاهی در این میان نزاع صورت می‌گرفت و در این زمان معین‌البکا با نگاه خود، زن‌ها را آرام می‌کرد و به سکوت می‌آورد (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: مستوفی، ص ۲۹۳؛ اسکویی، ص ۸۰). ورود غیرمسلمانان به تکیه دولت به راحتی صورت نمی‌گرفت. اما برای مردم شهر ورود به تکیه شرط خاصی نداشت و آزاد بود؛ به این دلیل که جمعیت بیشتر، دلیل بر مقبولیت برنامه‌ها بود (اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۹۷۵).

شکوه مراسم و فضای تکیه دولت تا آنجا بود که با وجود احتیاط ایرانیان در پذیرش ورود بیگانگان به مراسم تعزیه به سبب نگرانی از واکنش نادرست آنان، شاه و درباریان با آسودگی خاطر سیاحان فرنگی را به تکیه دولت دعوت می‌کردند (الگار، ص ۲۴۴؛ ظهیرالدوله، ص ۱۷۴). به عنوان مثال، می‌توان به نامه مشیرالدوله به ناصرالدین شاه اشاره کرد که در آن، او از شاه تقاضای شرکت افراد سفارت روسیه را در مراسم تعزیه‌ای که در تکیه دولت برگزار می‌شده است، می‌کند و ناصرالدین شاه هم با شرط اجرای مراسم در شب و استفاده از پرده زنبوری برای جلوی طاق‌نمای این عده، آن را می‌پذیرد (جابر، ص ۱۹۱؛ شهیدی، ص ۱۸۴). بعد از ساخته شدن تکیه دولت، شاهدگان و بازاری‌ها نیز، تکیه‌های خود را برپا کردند؛ از جمله، تکیه منیرالسلطان مادر کامران میرزا، تکیه قهوه‌خانه، تکیه اسماعیل بزاز و تکیه سید نصرالدین.

### برنامه تعزیه‌خوانی‌های تکیه دولت

تعزیه‌هایی که در روزهای دهه اول محرم خوانده می‌شد، همان تعزیه‌های رایج و معمول یعنی شهادت شهیدان کربلا و وقایع اصلی و مهم روز عاشورا بود. تعزیه‌هایی که در شب‌های دهه اول محرم یا در بقیه ایام محرم و صفر برگزار می‌شد مربوط به حوادث فرعی واقعه کربلا و مصائب خاندان پیامبر<sup>(ص)</sup> و یا تعزیه‌های حماسی و اساطیری و گوشه

ها بود. معمولاً موضوع تعزیه‌های تکیه دولت با نظر معین‌البکا (گرداننده تعزیه) و نظر دربار تعیین می‌شد. البته گاهگاهی برنامه عزاداری تغییر می‌کرد و برای اطلاع مردم از نام تعزیه و زمان اجرای آن، غالباً اعلان‌هایی تهیه می‌شد و بر در بزرگ تکیه و دیوارهای آن نصب می‌شد (شهیدی، ص ۱۸۳).

### چگونگی تعزیه‌خوانی در تکیه دولت

تعزیه‌خوانی‌های تکیه دولت با مراسم و تشریفات زیادی همراه بود. جای رجال دولت، اعیان و اشراف در طاق‌نماهای زیر و جای زنان و مردان و همسرانشان و مهمانانشان در طبقه دوم و سوم بود. عامه مردم هم در داخل تکیه، روی زمین و در پنج ردیف سطح پله، دورتادور تکیه می‌نشستند. جای مردان و زنان جدا بود (الگار، صص ۲۴۴-۲۴۵؛ مستوفی، ج ۱، ص ۲۹۳؛ هدایت، صص ۸۷-۸۸؛ معیرالممالک، یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه، ص ۴۵؛ شهری‌باف، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، ص ۱۱۶). در روز نهم، انعام و خلعت شاه، میان گردانندگان تکیه، تعزیه و تعزیه‌خوانان تقسیم می‌شد. روزنامه ایران در یکی از شماره‌های خود، ضمن درج اخبار رسمی درباره حکومت، نوشته است:

«دهه اول محرم الحرام و ایام عاشورا، خاطر خورشید مظاهر بندگان، ... به تعزیت خامس آل عبا، حضرت سیدالشهدا ارواحنا له الفدا بود. تکیه مبارک دولت را از طرف دولت روزافزون به رسم سنوات ماضیه با نهایت شایستگی و شکوه طاقبندی کرده... و روز آخر به رسم هر ساله مواهب کامله شهریاری شامل حال خدام تکیه مبارکه دولت گردیده و اولاً مجدالدوله خوانسالار که نظم و ترتیب اداره تکیه راجع به معزی الیه است... را به یک ثوب ترمه شمسه مرصع از جامه‌خانه خاصه مخلع و سرفراز فرمودند و ثانیاً جمیع ذاکرین و واعظین و... را به خلایع مهر شعاع و عطایا و انعامات وافر سربلند و دعاگو و شکرگذار فرمودند...» (روزنامه ایران، ۱۳۰۴، ص ۶۱؛ هدایت، همان)

در ایام عزاداری، از صبح تا ظهر مردم و تماشاگران به انتظار شروع تعزیه در تکیه می‌نشستند و حوالی ظهر، ابتدا مراسم روضه‌خوانی شروع می‌شد؛ سپس دسته‌های مختلفی به تکیه می‌آمدند و مراسم عزادای را انجام می‌دادند و حدوداً از دو یا سه بعدازظهر تعزیه، آغاز می‌شد (معیرالممالک، وقایع الزمان، ص ۴۵). در تعزیه‌های شبانه، شروع مراسم با توجه به فصول مختلف سال فرق می‌کرد و معمولاً از اوایل شب شروع می‌شد و تا سه یا چهار ساعت به طول می‌انجامید (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: شهیدی، ص ۳۴؛ مستوفی، صص ۲۹۵-۲۹۳).

مستوفی در خصوص شروع تعزیه می‌نویسد: چندین دسته سینه‌زن با علم و نوحه‌خوان آمده و روبه‌روی طاق‌نمای شاه، سینه زدند و خارج شدند. از نظر مستوفی دسته بروجدی‌ها از همه ساده‌تر و با هیمنه‌تر به نظر می‌رسید. مستوفی در ادامه از چگونگی سینه‌زنی چند دسته سینه‌زن، مثل دسته سنگ‌زن کاشی، دسته بروجدی‌ها، دسته فراش‌ها و دسته زنبورک‌چی‌ها و سپس درباره آغاز تعزیه صحبت می‌کند و مرتب از معین‌البکا بدون بردن نام او، سخن می‌گوید و استادی و مهارت او را در اجرای تعزیه و برقراری نظم در تکیه، می‌ستاید (همان، ص ۲۹۴). بنجامین هم از کسانی است که از تعزیه‌خوانی‌های تکیه دولت، گزارش کاملی بیان کرده است؛ او پس از برشمردن خصوصیات تکیه و تعزیه و مقایسه آن با نمایش‌های غربی، صحبت از ازدحام جمعیت و بحث از معماری، صحنه‌ها و مناظر مختلف تکیه، به ستایش و تعریف از آواز «بچه‌خوان» می‌پردازد و می‌نویسد:

«آخرین دسته موزیک سلطنتی که آهنگ‌های مخصوص عزای خود را نواخت... خارج شد و در همین موقع در مدخل تکیه دسته دیگری مشاهده شد که آماده ورود می‌شدند... در سکوت مطلق، ناگهان صدایی شبیه پرندگانی که شب‌ها می‌خوانند، از یکی از پسرچه‌ها بلند شد. صدا کاملا صاف و آسمانی بود... آهنگ آن سوزناک بود... که گویی هشدار برای تماشاچیان داخل تکیه بود که خود را برای دیدن تأثیرآورترین صحنه‌های تاریخ، یعنی شهادت امام حسین (ع) و یارانش آماده می‌کردند. در این هنگام، صدای دیگری از پسرچه دوم بلند شد و با آن هماهنگ شد و... صدای آنها بسیار تکان‌دهنده و مؤثر بود...» (بنجامین، صص ۲۹۳-۳۹۲)

وی در جای دیگر خاطر نشان می‌سازد که صدای تعزیه‌خوانان و حرکات آنها به قدری نافذ و مؤثر بوده که او احساس می‌کرده است که واقعا در صحرای کربلا حضور دارد (همان، ص ۳۷۴). مادام کارلا سرنا، از نویسندگان و جهانگردان قرن ۱۹ نیز از کسانی است که نمایش تعزیه را در آخرین دوره شکوهمندی در تکیه دولت مشاهده کرده و دیده‌های خود را در سال ۱۸۸۳م (۱۳۰۱هـ.ق) به چاپ رسانده است. او در کتاب خود، دید دقیقی از نمای ساختمان و چگونگی نمایش و فضای تالار دارد:

«مراسم تعزیه نزدیک ظهر آغاز و به هنگام غروب آفتاب تمام می‌شود. شاه، زنان و اطرافیانش، تا پایان مراسم، تکیه را ترک نمی‌کردند. به عنوان پیش‌درآمد تعزیه، تمام آنهایی که روی سکو، نقشی برعهده دارند، مدتی در برابر مردم ظاهر می‌شوند و به طور دسته‌جمعی راه می‌روند. شترها مزین به پارچه‌های گران‌قیمت، اسب‌ها و استرها که بر پشتشان سواران نشسته‌اند. بعد از آنها افراد مشخصی که پیشاپیششان یک دسته موزیک نظامی روی صحنه می‌رود، وارد می‌شوند. نوبت به اعضای هیئت‌های مذهبی می‌رسد. عده‌ای نوحه‌خوان، سینه می‌زنند... در آخر بند هر

نوحه، صدای حسین حسین بلند می‌شود... هماهنگ با نوحه‌ها، ضربه‌ها و گام‌ها، رفته‌رفته تأثر تماشاچیان و ابراز احساسات آنان شدت می‌یابد و آنگاه نمایشنامه تازه، تصنیف می‌شود...» (سرنا، سفرنامه، صص ۴۶۴ - ۴۲۶).

بنجامین درباره موسیقی تعزیه گزارش می‌دهد:

«موزیک عبارت است از یک دسته که در پشت تکیه ایستاده بودند. از خوشبختی جای آنها دور بود، زیرا که اسباب آنها عبارت بود از چند نقاره و کرناهای دراز و صدای آنها خشن و حزن‌انگیز بود که مرده را بیدار می‌کرد، نویسنده کتاب انجیل وقتی می‌نوشت که در روز آخرت صدای کرناپی مسموم خواهد شد و جمیع مرده‌ها را زنده خواهد کرد، مسلماً چنین کرناپی را در نظر داشته است.» (بنجامین، ص ۲۴)

### افول تکیه دولت و تعزیه

تعزیه در زمان ناصرالدین شاه، به خصوص در تکیه دولت، رواج کاملی داشت و این امر تا هنگام مرگ ناصرالدین شاه کماکان با شکوه فراوان ادامه داشت. در زمان سلطنت مظفرالدین شاه به سبب اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان و حوادث مشروطه، تعزیه و شبیه‌خوانی تا اندازه‌ای، ارزش و اعتبار خود را از دست داد (شهیدی، ص ۱۹۶). به‌رغم مخالفت برخی از روحانیون، روشنفکران و مشروطه‌خواهان با تعزیه، مظفرالدین شاه چون از دلبستگی و علاقه مردم به تعزیه، آگاه بود و همچنین می‌خواست مراسم و سنت‌های درباری پدر خود را حفظ کند، به تعزیه علاقه نشان می‌داد. از این‌رو، دستور داده بود که در دربار، همراه با روضه‌خوانی، مجالس تعزیه و شبیه‌خوانی نیز برگزار کنند (همان، ص ۱۹۷).

در زمان مظفرالدین شاه، فرستادگان مؤسسه فیلمبرداری «پاته» فرانسوی در تهران، یک فیلم مستند از مراسم تعزیه تکیه دولت تهیه کردند. (بیضایی، ص ۱۵۱) پس از مرگ ناصرالدین شاه (۱۲۷۵هـ.ش) و مظفرالدین شاه (۱۲۸۶هـ.ش) جنازه آنها را به تکیه دولت برده و از آنجا به عتبات منتقل کردند (کاتوزیان تهرانی، ص ۴۱۷).

دوره سلطنت محمدعلی شاه و احمدشاه آخرین سال‌های تعزیه‌خوانی در تکیه دولت بوده و پس از آن تعزیه‌خوانی در این تکیه تعطیل شد (برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک: صدر سیدجوادی و دیگران، ج ۴، ص ۴۴۴؛ شهیدی، ۲۰۵؛ وزارت امور خارجه روسیه، ج ۱، ص ۱۰۴؛ شهری‌باف، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، صص ۵۵۶ - ۵۲۱).

به دنبال کودتای ۱۲۹۹هـ.ش و به قدرت رسیدن سردار سپه، برای این که تکیه دولت بدون استفاده نماند، رضاخان در سال ۱۳۰۲هـ.ش دستور داد خرابی‌هایی را که در

طی سال‌های بسته بودن تکیه به وجود آمده بود تعمیر کنند و آنجا را به نمایشگاه کالاهای وطنی اختصاص داد و همچنین در سال‌های نخستین سلطنتش به تشکیل جلسات سربازگیری ارتش در آن جا پرداخت (امیر طهماسبی، صص ۴۳۴-۴۲۹). در سال ۱۳۰۴ هـ.ش مجلس مؤسسان (عزل احمدشاه و انتخاب رضاخان به عنوان شاه ایران) در محل تکیه دولت تشکیل شد (هدایت، صص ۳۶۹).

در سال‌های آغاز سلطنت رضاشاه، یعنی پس از سال ۱۳۰۴ هـ.ش، تعزیه رفته‌رفته ممنوع شد و پای به دوران افول خویش نهاد و در روستاها و شهرهای دورافتاده نیز، دوران انحطاط را می‌پیمود که در این میان عوامل زیادی دخیل بودند؛ در سال ۱۳۱۱ هـ.ش، با ممنوع شدن تظاهرات مذهبی، اجرای تعزیه نیز یکسره موقوف گردید. بر این عوامل باید انقلاب مشروطه، نفوذ فرهنگ اروپا در ایران و ترجمه و اجرای نمایشنامه‌های خارجی را نیز افزود. چنین شد که تعزیه، که در آستانهٔ پروردن تئاتر ملی ایران در درون خود بود، موقعیت خود را از دست داد و اندک‌اندک روی به فراموشی نهاد (صدر سیدجواد و دیگران، ج ۴، صص ۴۴۴). این در حالی است که تا قبل از سال ۱۳۱۱ هـ.ش، که عزاداری ایام محرم رسماً تعطیل نشده بود، رضاخان روضه‌خوانی‌های دوران سردار سپه‌ی خود را که در دفتر قزاقخانه برگزار می‌کرد، به تکیه دولت آورده بود و خود نیز در مجالس عزاداری یا فقط در عزاداری روز عاشورا، شرکت می‌کرد (شهیدی، صص ۲۰۷) و تکیه دولت، سال‌ها متروک و نیمه‌مخروبه بود تا این که در ۱۳۲۵ هـ.ش بعد از ۷۵ سال، به دستور محمدرضا شاه، تکیه دولت به منظور ساخت شعبهٔ بانک ملی در بازار، به کلی تخریب شد و بیشتر عرصهٔ آن زیربنای بانک گردید (ذکاء، صص ۳۱۰؛ شهیدی، صص ۱۴؛ ملک‌پور، صص ۷۰).

## نتیجه

از دوران صفویه تا زندیه و قاجار، همیشه نیاز به مکانی ثابت برای انجام روضه‌خوانی، تعزیه و شبیه‌خوانی احساس می‌شد، این امر سبب شد که تکاپای متعددی در دوره‌های مختلف تاریخ ایران، به خصوص در دورهٔ قاجار ساخته شود. یکی از تکاپای مهم، عظیم و با شکوه دورهٔ قاجار، تکیه دولت است که دستور ساخت آن را ناصرالدین شاه و به مباشرت دوستعلی‌خان معیرالممالک در جنب کاخ شمس‌العماره، در سال ۱۲۸۴ هـ.ق صادر نمود. درحقیقت، علت ساخته‌شدن آن را می‌توان افزایش جمعیت تهران و فقدان

گنجایش کافی در تکایای قدیمی، اظهار فضل و تجمل ناصرالدین شاه در مقابل فرهنگ و هنر تئاترهای غربی، علاقه شدید وی به تعزیه و نمایش و استقبال مردم و حمایت اعیان و اشراف از تعزیه دانست. گروهی از سیاحان اروپایی و برخی از مورخان و نویسندگان ایرانی معتقدند که ناصرالدین شاه پس از اولین سفرش به فرنگ در سال ۱۲۹۰هـ.ق، و دیدن تئاتر «ساختمان رویال آلبرت هال لندن» و «تماشاخانه ورونا ایتالیا» به قدری تحت تأثیر قرار گرفت که دستور ساخت تکیه دولت را در تهران صادر نمود. در مقابل، گروهی از نویسندگان ایرانی معتقدند که ساخته شدن تکیه دولت قبل از اولین سفر ناصرالدین شاه بوده است. معماری تکیه دولت، دارای شیوه خاص مهندسی دوره قاجاریه است و برخلاف سایر تکایا، مدور و گرد بوده است. تعزیه‌های اجرا شده در تکیه دولت، تحت نظارت و سرپرستی ارگ سلطنتی دربار و ناظم‌البکا و معین‌البکا بوده و هزینه‌های پذیرایی و حقوق کارکنان و تعزیه‌خوانان را هم گروهی از اشراف و اعیان بر عهده داشته‌اند. در تکیه دولت به جز مراسم عزاداری دهه محرم و مجالس مذهبی تکیه دولت را در اواخر ذی‌الحجه، چند روز مانده به اول محرم، برای تعزیه‌خوانی آماده می‌کردند. مراسم روضه‌خوانی از اول ماه محرم یا یک روز مانده شروع و تا روز تاسوعا در تکیه دولت برگزار می‌شد و گاه تا دهم، دوازدهم و چهاردهم نیز ادامه داشت. مراسم تعزیه‌خوانی معمولاً دو نوبت در روز و شب برگزار می‌شد و تا آخر محرم و گاهی تا آخر صفر نیز ادامه داشت و برخی اوقات نیز در ماه‌هایی غیر از محرم و صفر، تعزیه‌خوانی برقرار می‌شد. دوره طلایی و اوج شکوه تعزیه، در دوره قاجار و در زمان ناصرالدین شاه بوده که در تکیه دولت برگزار می‌شده است. پس از مرگ ناصرالدین شاه، جانشینانش به دلیل شرایط و اوضاع خاص جامعه و گسترش و نفوذ فرهنگ غربی و مخالفت برخی از روحانیون نتوانستند آنچنان که باید و شاید، از تعزیه حمایت کنند و به تدریج کار به جایی رسید که عملاً هرگونه تظاهرات مذهبی و تعزیه‌خوانی در زمان رضاخان، ممنوع شد. سرانجام در سال ۱۳۰۲هـ.ش، تکیه دولت به نمایشگاه امتعه وطنی مبدل شد و در حدود سال ۱۳۲۵هـ.ش تخریب و به جای آن بانک ملی شعبه بازار ساخته شد. امروزه از این بنای تاریخی و مهم، فقط مقداری اسناد و مدارک تاریخی و تعدادی عکس و یک نقاشی رنگی اثر کمال‌الملک، باقی مانده است. بنایی که نه تنها، نشان‌دهنده طراحی و معماری یک دوره تاریخی است، بلکه مبین مراسم پر جلال و شکوه تعزیه در مقطعی از دوره قاجار می‌باشد.

## منابع

- اسکویی، مصطفی، **تاریخ تئاتر ایران**، نشر آناهیتا، تهران، ۱۳۷۸.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسنخان (صنیعالدوله)، **المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران)**، تهران، دارالطباعة خاصه دولتی، ۱۳۰۶ هـ.ق؛ چاپ ایرج افشار، جلد ۱، نشر اساطیر، تهران، ۱۳۶۳.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، **روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه**، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۵.
- الگار، حامد، **دین و دولت در ایران، نقش عالمان در دوره قاجار**، مترجم: ابوالقاسم سری، توس، تهران، ۱۳۶۹.
- اورسل، ارنست، **سفرنامه اورسل (۱۸۸۲م)**، ترجمه علیاصغر سعیدی، بی جا، ۱۳۵۲.
- اوبن، اوژن، **سفرنامه و بررسی‌های سفیر فرانسه در ایران (ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶)**، ترجمه و حواشی و توضیحات از علی‌اصغر سعیدی، زوار، تهران، ۱۳۶۲.
- امیر طهماسبی، عبدالله، **تاریخ شاهنشاهی اعلی حضرت رضاشاه کبیر**، نشر دانشگاه، تهران، ۱۳۵۵.
- بنجامین، ساموئل گریل ویلر، **ایران و ایرانیان**، ترجمه محمدحسین کردبچه، نشر جاویدان، تهران، ۱۳۶۳.
- بیضایی، بهرام، **نمایش در ایران**، نشر کاویان، تهران، ۱۳۴۴.
- پیترسون، ساموئل، **تعزیه و هنرهای مربوط به آن**، گردآورنده: پترچلکووسکی، ترجمه: داوود حاتمی، نشر علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷.
- چلکووسکی، پتر، **نمایش بومی پیشرو ایران (تعزیه هنر بومی پیشرو ایران)**، ترجمه داوود حاتمی، علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷.
- حاج سیاح، محمدعلی، **خاطرات حاج سیاح**، به کوشش حمید سیاح، نشر ابن سینا، تهران، ۱۳۴۶.
- حسینی بلاغی، سید عبدالحجت، **تاریخ تهران**، بی‌نا، قم، ۱۳۵۰.
- ذاکرزاده، امیرحسین، **سرگذشت طهران (گزیده‌ای از آداب و رسوم مردم طهران)**، قلم، تهران، ۱۳۷۳.
- ذکاء، یحیی، **تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان**، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۴۹.
- ذکاء، یحیی، سمسار، محمدحسن، **تهران در تصویر**، عکاسی علی خادم، سروش، تهران، ۱۳۷۶.
- سپهر، محمدتقی (لسانالملک)، **ناسخ‌التواریخ (قاجاریه)**، به اهتمام جهانگیر قائم‌مقامی، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۷.
- راوندی، مرتضی، **تاریخ اجتماعی ایران**، جلد ۴، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۴.
- سرنا، کارلا، **آدم‌ها و آئین‌ها**، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، نشر زوار، تهران، ۱۳۶۲.



- سرنا، کارلا، **سفرنامه (مردم و دیدنی‌های ایران)**، ترجمه غلامرضا سمیعی، نشر نو، تهران، ۱۳۶۳.
- سلطان‌زاده، حسین، **روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران**، نشر آگاه، تهران، ۱۳۶۲.
- شهری‌باف، جعفر، **طهران قدیم**، ج ۲، نشر معین، تهران، ۱۳۷۱.
- شهری‌باف، جعفر، **تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم**، جلد ۵، نشر مؤسسه فرهنگی رسا، اسماعیلیان، تهران، ۱۳۶۸.
- شهیدی، عنایت‌اله، **پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی**، نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.
- ظهیرالدوله، علی بن محمدناصر، **سفرنامه ظهیرالدوله همراه مظفرالدین شاه به فرنگستان**، چاپ محمداسماعیل رضوانی، تهران، ۱۳۷۱.
- عنصری، جابر، **شبیه‌خوانی گنجینه نمایش‌های آئینی و مذهبی**، جشنواره سراسری تئاتر فجر، تهران، ۱۳۷۲.
- کرزن، جرج ناتانیل، **ایران و قضیه ایران**، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، نشر علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲.
- کاتوزیان، محمدعلی، **مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران**، تهران، ۱۳۷۹.
- مستوفی، عبدالله، **شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)**، جلد ۱، زوار، تهران، ۱۳۴۰.
- معیرالممالک، دوستعلی خان، **یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه**، نشر علی‌اکبر علمی، تهران، ۱۳۵۱.
- معیرالممالک، دوستعلی خان، **وقایع الزمان (خاطرات شکاربه)**، چاپ خدیجه نظام مافی، تهران، ۱۳۶۱.
- ملک‌پور، جمشید، **سیر تحول مضامین در شبیه‌خوانی و تعزیه**، نشر جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۶.
- هدایت، مهدی‌قلی خان (مخبرالسلطنه)، **خاطرات و خطرات**، تهران، زوار، ۱۳۴۴.
- مجموعه مقالات**
- ریاحی، محمدامین، «هنرهای زیبا در ایران امروز»، هنر و مردم، دوره جدید، شماره ۷۱، شهریور، ۱۳۴۷.
- فروغ، مهدی، «تکیه دولت»، هنر و مردم، سال سوم، نشر وزارت فرهنگ و هنر، تهران شماره ۲۹، ۱۳۴۳.
- کالمار، ژان، «اقامه تعزیه، اطلاعاتی مقدماتی برای پژوهش جامع، تعزیه: آئین و نمایش در ایران»، گردآورنده: پیتر چلکووسکی، ترجمه داوود حاتمی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴.

دوگوبینو، ژوزف کنت، «تئاتر در ایران»، ترجمه جلال ستاری، تئاتر، شماره ۱۱ و ۱۳۶۹، ۱۲.

### روزنامه‌ها

اعتمادالسلطنه، تکیه مبارکه دولتی، روزنامه شرف، ۷ ذیحجه، شماره ۵۳، ۱۳۰۴ هـ.ق.

روزنامه ایران، جمعه، ۱۶ محرم الحرام، شماره ۱۳۰۴، ۶۱۱ هـ.ق.

روزنامه ایران، شنبه، ۱۴ محرم الحرام، شماره ۱۲۹۰، ۲۰۸ هـ.ق.

### کتاب‌های مرجع

چلکووسکی، پیتر، بن‌بست جهانی تئاتر، مجله جوانان، درباره تعزیه و تئاتر در ایران به کوشش لاله

تقیان، سال ۱۳۵۶.

دایرةالمعارف جهان اسلام، بنیاد دایرةالمعارف الفقه السلامی، جلد ۷، تهران، ۱۳۸۲.

دایرةالمعارف شیعه، زیر نظر صدر حاج سید جوادی و دیگران، نشر بنیاد خیریه و فرهنگی شط،

جلد ۴، تهران، ۱۳۷۳.

غلامحسین، مصاحب، دایرةالمعارف فارسی، جلد ۱، نشر فرانکلین، تهران، ۱۳۴۵.

منصوری فرد، محسن، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران: ۱۲-۷ اسفندماه

۱۳۷۴، به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، جلد ۳، نشر سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۵.

گزارش‌های سیاسی وزارت امور خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران (کتاب نارنجی)،

ترجمه حسین قاسمیان، جلد ۱، چاپ احمد بشیری، تهران، ۱۳۶۷.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی